

## مقدمه

اقتصاد با اهمیت حیاتی‌ای که در جوامع انسانی دارد، در همه مکتبها برای خود جایگاه ویژه‌ای را اختصاص داده که حتی کم است، بعضی از افراد و مکاتب فکری در مقام اقتصاد غلو نموده و ایمان بالماده را جانشین همه اصلها و ارزشها بسازند. مسلماً این طرز تلقی، غلط و افراطی و عدول از مرز اصلی نقش اقتصاد در حیات فرد و جامعه به شمار می‌رود. در نقطه مقابل، عده‌ای دیگر ناآگاهانه اقتصاد و مادیات را کلاً عامل همه نارواییها و نابسامانیها دانسته، یک چیز بی‌ارزش جلوه می‌دهند.

به هر صورت نه آن افراط‌گری قابل پسند است که اقتصاد را برتر از انسان و اراده او و بزرگ‌تر از ارزشهای قبول‌شده انسانی بدانیم و نه این تفریط را در مورد اقتصاد می‌توان پذیرفت که بعضیها آن را پدیده‌ای بی‌ارزش تعریف می‌کنند؛ زیرا اقتصاد همیشه منجیث وسیله، نقش مؤثری در تأمین خواستهای مشروع و نامشروع مادی و معنوی انسان دارد و این خود انسان است که اقتصاد را برای برآورده ساختن امیال فاسد نفسانی خود به ضرر خلق الله و جوامع انسانی به کار می‌برد، یا برعکس از اقتصاد سالم، برای رفع نیازمندیهای مادی و معنوی خود و جامعه استفاده‌های مجاز و سلیم می‌نماید که مورد تأیید و تشویق اسلام است. حضرت پیامبر اکرم (ص) در این مورد فرموده‌اند:

«نعم المال الصالح للرجل الصالح؛ چه خوبست مال نیکو که برای مرد نیکو باشد».

بر مبنای اهمیت حیاتی اقتصاد است که در اسلام به منظور تأمین عدالت اقتصادی، نظام اقتصادی مشخصی وضع شده است. ملتها و دولتهای اسلامی با تکیه بر مبانی عالی نظام اقتصادی اسلام می‌توانند راه رشد اقتصادی سالم را بهتر از هر نظام اقتصادی دیگر بیمایند. اما در بعضی محافل و مجامع سیاسی - فرهنگی و ایدیولوژیک کشور ما پرسشهایی مطرح می‌گردد که قابل عطف است. به طور مثال آیا اسلام می‌تواند به مشکلات اقتصادی جامعه راه حل ارائه کند؟ و آیا در اسلام کدام سیستم اقتصادی مشخص وجود دارد؟

مسئله‌ها و اهل رشته و اهل تحقیق و مطالعه به چنین سؤالات پاسخهای لازم و قناعت‌بخش ارائه می‌فرمایند. اما جوانان و حتی دانشمندان بی‌بهره و یا کم‌بهره از علوم اسلامی در مواجهه با چنین سؤالات پیچیده و خطیر از مواضع گونه‌گون به رد یا تأیید همچو سؤالات به جواب می‌پردازند. متأسفانه همچو مناظرات و مناقشات سیاسی - علمی غالباً نتایج مطلوب و قناعت‌بخشی در قبال ندارد و منتج به اختلافات عقیدتی - سیاسی می‌گردد.

یگانه دلیل این گونه گفتگوهای مباحثاتی در میان حلقه‌های مختلفه روشنفکری کشور، فقدان آگاهی لازم و آکادمیک از مسائل اسلامی و مخصوصاً در عرصه اقتصاد اسلامی است. چگونه ممکن و معقول خواهد بود دینی که چندین قرن جامعه انسانی را رهبری و حاکمیت نموده، فاقد نظام و مکتب اقتصادی باشد.<sup>۱</sup>

متأسفانه در سرزمین اسلامی افغانستان از گذشته‌ها بدین سو علمای بزرگ و متبحر اسلامی را مجال و یا فرصت تحقیق و نوشتن آثار جامع در زمینه به زبانهای ملی پښتو و یا دری نبوده است.

با درک مبرمیت این مسئله حاد علمی - عقیدتی که گاهی جهات بسیار جدی سیاسی تبلیغاتی نیز پیدا می‌کند، واجب بود تا پروژه‌ای علمی - تحقیقی که جوابگوی برخی از مسائل اقتصاد اسلامی به طور عام باشد روی دست گرفته شود. فلذا با توجه به ابرام این مسئله، پروژه تحلیل و ارزیابی مسائل عمده اقتصاد اسلامی به اینجانب معاون سرمحقق عبدالباری (راشد) تحت راهنمایی پروفسور (سرمحقق) محمدناصر ستانکزی استاد ارشد انستیتوت اقتصاد اکادمی علوم سپرده شد.

در مقدمه این اثر شایان ذکر است که قبل از ورود به اصل موضوع سیستم اقتصادی را از علم اقتصاد تفکیک نماییم تا باشد که در جریان مطالعه مسائل مربوط به نظام اقتصادی اسلام، در میان اصطلاحات و مفاهیم علم اقتصاد و نظام اقتصادی دچار اشتباه نگردیم.

اقتصاد به مثابه یک علم، عهده‌دار تبیین واقعیهایی است که در جامعه بشری و در روابط انسان با مسائل اقتصادی وجود دارد. به عبارته دیگر علم اقتصاد از وضع موجود اقتصادی و علل پیدایش ثروت، فقر، تورم، افزایش قیمت و غیره سخن می‌گوید بدون آنکه

۱. الزحیلی، وهبه، *الفقه الاسلامی و ادلته*، ج ۷، تهران: مطبعة اسوه، سال ۱۴۲۷ ه. ق، ۲۰۰۶ م، ص ۴۹۷۲.

درباره خوبی و بدی آنها قضاوت کند؛ یا به عادلانه بودن و انطباق آنها با حق و موازین صحیح انسانی کاری داشته باشد.

ولی اقتصاد به مثابه یک نظام، عبارت از مجموعه‌ای از عناصر و نهادها همراه با قواعد و ضوابطی است که در یک مکتب فکری برای رسیدن به هدف و مقصدی مشخص - که آن مکتب بر اساس عقاید و آرمانهای خود دنبال می‌کند - مقرر شده است؛ یا به این عبارت که مکتب اقتصادی عهده‌دار توجیه و تبیین صحیح بودن یک روش اقتصادی یا نبودن آن و مطلوب بودن یا نبودن آن است.

به سخن دیگر، علم اقتصاد می‌گوید که روابط اقتصادی چگونه هست! و مکتب اقتصادی می‌گوید که این روابط چگونه باید باشد! بنابراین وقتی گفته می‌شود که در اسلام مکتب اقتصادی ویژه‌ای وجود دارد، به این معنی نیست که به طور مثال در فقه اسلامی احکامی درباره تابع عرضه و تقاضا و تأثیر آن بر قیمت‌ها یا شرایط تولید و توزیع و غیره مطرح شده است؛ زیرا بحث درباره همچو مسائل در عهده علم اقتصاد است؛ بلکه آنچه در مکتب اقتصادی اسلامی مطرح می‌شود، به طور مثال این است که برای برقراری عدالت و موازنه اقتصادی چه احکامی باید به اجرا گذاشته شود!

احکام اقتصادی اسلامی تحت عناوین خاص خود به طور گسترده در کتب فقهی مطرح شده‌اند و واژه‌های حلال و حرام مشتمل بر موارد مجاز و قابل عمل (حلال) و موارد ممنوع و غیر قابل عمل (حرام) در مورد آنها به کار رفته است. در این اثر به طور عمده مسائل ذیل اقتصاد اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار خواهند گرفت:

- بعضی از مفاهیم اساسی اقتصاد اسلامی؛
- فعالیتهای اقتصاد اسلامی؛
- معاملات پولی و قیمت‌ها در نظام اقتصادی اسلام؛
- نقش بانکها در اقتصاد اسلامی؛
- ارزیابی مقایسوی برخی از مسائل اساسی اقتصاد اسلامی و غیر اسلامی با مکتبهای اقتصادی دیگر؛
- شیوه‌های تطبیق و تعمیل نظام اقتصاد اسلامی در کشور.

در پایان مباحث متذکره به نتیجه گیری و تقدیم پیشنهادها و نظریات نیز پرداخته خواهد شد.

اگر اقتصاد اسلامی را در دستورات اقتصادی دین خلاصه کنیم از این جهت خاص، اقتصاد اسلامی را نمی توان علم شمرد بلکه باید گفت اقتصاد اسلامی یک روش و برنامه عملی است؛ زیرا معمولاً وقتی از کلمه علم استفاده می شود، مراد ابزاری است که به کمک آن واقعیتهای جهان شناخته و تفسیر می گردد. ولی از کلمه مکتب و مذهب در مواردی استفاده می شود که یک راه و رسم عملی در تنظیم زندگی اتخاذ گردد تا به کمک آن واقعیتهایی که تا هنوز وجود نیافته اند، تحقق بخشیده شوند.<sup>۱</sup>

منظور ما از کلمه اقتصاد اسلامی، سیستم اقتصادی است که در این سیستم، روش مخصوص اسلام در تنظیم حیات اقتصادی مجسم می گردد. چرا که سیستم اقتصادی اسلام خود دارای یک پایگاه فکری است که ما را بدان رهنمون می کند.

دیدگاه اسلام در مقوله رشد اقتصادی تنها مشوق رشد مادی نیست، بلکه رشد اقتصادی باید به تعالی روحی نیز کمک کند، یا به عبارتی دیگر نظام اقتصادی اسلام عبارت است از طرح کلی و هماهنگی که خطوط اصلی ارزشهای مورد نظر اسلام را از بعد عدالت اقتصادی برای رسیدن به اهداف اقتصادی جامعه نشان می دهد. این نظام جزئی از نظام کلی اسلام به شمار می رود که رفاه و آسایش انسان و تأمین نیازهای مادی او را با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات فراهم می سازد. این نظام به گونه ای است که در آن از یک سو زمینه برای حفظ منافع فرد و از سوی دیگر منافع جامعه فراهم است، بدون آنکه در بین این دو تضاد و تعارض باشد. در این نظام از یک نظر می توان گفت مالکیت فردی وجود دارد و از نظر دیگر اصولاً مالکیتی وجود ندارد؛ زیرا مالک اصلی خداست و اینها همه امانتهایی از او در دست انسانهاست و طبق قوانین الهی باید از آن استفاده شود.

اساس این سیستم بر آن است که هر کس به حقش برسد و به هیچ کس تحت هیچ عنوان ستمی روا داشته نشود؛ و این راهی انعطاف پذیر در مالکیت از نظر اسلام است.<sup>۲</sup>

۱. سبحانی، حسن، دغدغه ها و چشم اندازهای اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران: سمت، سال ۱۳۸۰ ه. ش، ص ۸.

۲. قاسمی، علی، طرز تفکر اسلام درباره کار و مالکیت، چاپ اول، انتشارات انجمن اسلامی معلمان، سال ۱۳۷۹.

اقتصاد اسلامی زیرمجموعه نظام اسلامی است برای هدایت همه فعالیت‌های اقتصادی جامعه اسلامی، بنابراین اقتصاد اسلامی بدون حکومت اسلامی غیر قابل تصور است. در قرآن آیات بسیاری وجود دارد که در آنها بیشتر به کلیات حقوقی، جهت‌ها و اهداف اقتصادی نظر دارد و این جهت‌ها و اهداف شاخص‌های اساسی نظام اقتصاد اسلامی را مشخص می‌کند.

اقتصاد اسلامی، مجموعه‌ای از مباحث مکتب اقتصادی، نظام اقتصادی و علم اقتصاد است که با روش خاص خود با توجه به فرهنگ، بینش و ارزش‌های اسلامی، تنظیم و ارائه شده است.<sup>۱</sup>

نظام اقتصادی اسلام عبارت از مجموعه قواعد، قوانین و احکامی است که خداوند (ج) به عنوان شارع، آنها را از رهگذر قواعد قرآنی وضع فرموده است. قواعدی که چارچوب اجرایی آنها را سنت حضرت پیامبر (ص) تعیین می‌کند و در وضعیتهای - نوین از طریق اجتهاد تعمیم می‌یابد تا شامل تخصیص منابع کمیاب، تولید، تبادل کالاها و خدمات و توزیع درآمدها و ثروتها شوند.<sup>۲</sup>

اقتصاد اسلامی سه مورد را همواره تحت بحث خود قرار می‌دهد: تولید، توزیع و مصرف. اقتصاد اسلامی سه هدف عمده دارد: امنیت اقتصادی، عدالت اقتصادی و رشد اقتصادی. هرگاه این سه هدف در جامعه‌ای تحقق یابد، آن جامعه از نظر اسلام از بعد اقتصادی توسعه می‌یابد.<sup>۳</sup>

هدف نظام اقتصادی اسلام، تحقق رشد و توسعه اقتصادی است از این رو، باید دید نظام اقتصادی اسلام چگونه رشد و توسعه اقتصادی را تحقق می‌بخشد. در این جهت به بخشی از آیه ۹۶ سوره اعراف استناد می‌ورزیم:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن

۱. کرمی، محمدمهدی و محمد پورمند نبی‌زاده، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، چاپ دوم، تهران، سال ۱۳۸۱ ه. ش، ص ۱۷.

۲. یوسفی، احمدعلی، ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، سال ۱۳۷۷ ه. ش، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۳. میرمعزی، سیدحسین، *نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه‌ها)*، انتشارات اسلامی، سال ۱۳۷۸، ص ۱۳۲.

كذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ اگر مردمی که در شهرها و آبادیها زندگی دارند ایمان بیاورند و تقوا پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم ولی (آنها حقایق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

محققان اقتصاد اسلامی در طول تاریخ کتابهایی تحت عنوان خراج یا/اموال مستقلاً نوشته‌اند و نویسندگان این کتب موضوعات مالیه دولت و از جمله جزیه و خراج را مستقلاً مورد بحث قرار داده‌اند و تا آنجا که ممکن بوده است به روشن شدن مسائل مربوط به خراج و جزیه کوشیده‌اند که می‌توان چند کتاب معتبر زیر را نام برد:

(۱) کتاب الخراج تألیف ابویوسف یعقوب بن ابراهیم، متوفای ۱۸۲ هـ.

(۲) کتاب الخراج تألیف یحیی بن آدم القرسی، متوفای ۱۰۴ هـ.

(۳) کتاب الخراج تألیف قدامه بن جعفر، متوفای ۳۲۰ هـ.

همچنان کتاب الاموال تألیف ماوردی بغدادی و ابویعلی (از کتب سیاست مدن) که مورد توجه و استناد محققان و دانشمندان و نویسندگان قرار دارد، نیز قابل ذکر است. همه اینها در مسئله مربوط به خراج تحقیقات ارزنده‌ای از جهات مختلف و پیرامون مسائل گوناگون آن انجام داده‌اند.